

«فرهیختگان» استانی شدن انتخابات را بررسی کرد

تغییرات بزرگ در انتخابات مجلس

فرهیختگان طرح اصلاح قانون انتخابات این هفته بار دیگر در دستور کار صحن علنی مجلس قرار خواهد گرفت؛ طرحی که حدود یک ماه پیش با امضای ۱۲۱ نفر از نمایندگان بار دیگر به جریان افتاد و آن طور که در مقدمه‌اش آمده، طراحانش معتقدند به‌رغم اینکه تا کنون قوانین متعددی در زمینه برگزاری انتخابات مجلس وضع شده، اصلاحات بی‌شمار این قوانین در دوده‌ه اخیر نشان از آن دارد که قوانین مربوطه می‌تواند دارای ایراداتی باشد. این طرح اگرچه موارد جدیدی را نظیر درنظر گرفتن سهمی مشخص - از ۲۵ تا ۳۰ درصد- برای زنان در میان منتخبان نهایی در هر حوزه انتخابیه دربر دارد، اما مهم‌ترین بخش آن را باید استانی شدن انتخابات دانست. صحبت از استانی شدن انتخابات

مجلس البته اولین باری نیست که به میان می‌آید و پیش از این هم چندباری در دستور کار بهارستان قرار گرفته بود. نتیجه اما آتی نبود که مدافعان می‌خواستند و این تلاش‌ها هر بار به در بسته می‌خورد. یکی از مهم‌ترین دلایل هم این بود که روشن‌ترین نتیجه طرح مذکور افت مشارکت به‌ویژه در مناطق دوردست است. این بار اما تعدادی از نمایندگان تصمیم گرفتند برای فائق آمدن به انتقاد همیشگی احتمال افت مشارکت و به حاشیه رفتن کاندیداهای حاشیه‌نشین، ابتکارات جدیدی را به آن پیوست کنند. از جمله آنکه براساس ماده ۸ طرح پیشنهادی، از هر حوزه انتخابیه موجود در استان نامزد یا نامزدهایی که حداقل ۱۰ درصد آرای صحیح مأخوذه حوزه انتخابیه تبصره ذیل

ماده یک این قانون را کسب کرده و بالاترین رای را در کل استان به‌دست آورده‌اند، نماینده یا نمایندگان استان از آن حوزه انتخابیه محسوب می‌شوند؛ ابتکاری که البته هنوز معلوم نیست تا چه حد پاسخگوی انتقادات بوده و افت احتمالی در میزان مشارکت را جبران کند. هرچه هست، به نظر می‌رسد درصورت وجود اراده جدی برای بررسی طرح اصلاح قانون انتخابات ضروری است که به همه ابعاد آن با یک نگاه نگریسته شود و فرضا، تنها بخش‌هایی خاص نظیر بندهای مربوط به استانی شدن انتخابات یا هر گوشه‌ای دیگر از آن به صورت محدود به بحث گذاشته نشوند. در این ارتباط مهم‌ترین نقاط مثبت و منفی طرح اصلاح قانون انتخابات را به بحث گذاشته‌ایم.

ایراد اول :مردم مراکز استان و شهرهای پرجمعیت تصمیم گیر نهایی خواهند بود

نام	تعداد رای در شهرستان	تعداد رای در استان	جمع کل آرا	فرد راه‌یافته به مجلس
نامزد الف	۲۵ هزار رای	۱۰۰ هزار رای	۱۲۵ هزار رای	
نامزد ب	۲۳ هزار رای	۱۰۵ هزار رای	۱۲۸هزار رای	*
نامزد ج	۵ هزار رای	۲۰۰ هزار رای	۲۰۵ هزار رای	
فرض این است که مردم حوزه انتخابیه فرعی ۱۰۰ هزار رای به صندوق انتخابات ریخته‌اند				

آورند؛ چراکه کسب ۱۰ درصد آرای این حوزه در مقایسه با کسب این نسبت در مرکز استان آن هم در رقابت با کاندیداهای شهره دیگر به مراتب ساده‌تر خواهد بود. چنین کاندیدایی درصورت داشتن شرط بومی بودن- که مستلزم تولد در آن حوزه یا سکونت در آن به مدت پنج سال اخیر است- به‌راحتی شرط لازم را کسب خواهد کرد و به اتکای آوازه‌اش گام اول را برای ورود به رقابت استانی مطمئن برداشته و در استان کار راحتی برای کسب رای پیش رو ببیند. این در حالی است که همین فرد اگر در مرکز استان نامزد انتخابات می‌شد، باید با چند چهره مشهور دیگر رقابت می‌کرد و احتمال راهیابی کمتری به مجلس می‌داشت.

در مقایسه با کاندیدای «الف» بسیار کمتر بوده و با فاصله‌ای زیاد از او وارد رقابت استانی شده است. همین کاندیدا اما در سطح استان رای بیشتری را به خود اختصاص داده و در مجموع آرای استان از سایران پیشی گرفته است. در این صورت او به‌رغم داشتن رای کمتر نسبت به کاندیدای «الف» در حوزه انتخابیه مذکور، به نمایندگی از این حوزه به مجلس راه خواهد یافت. درحقیقت منتخب واقعی مردم آن حوزه- از راهیابی به مجلس باز خواهد ماند و به‌طور طبیعی این اتفاق نمی‌تواند نسبتی با عدالت داشته باشد.

همین چارچوب، بستری را ایجاد خواهد کرد که کاندیداهای چهره و شاخص که امکان قانونی را دارند، به حوزه‌های انتخابیه کوچک هجوم

ایراد دوم:شکاف های قومی و مذهبی تشدید خواهد شد

نام	تعداد رای در شهرستان	تعداد رای در استان	جمع کل آرا	فرد راه‌یافته به مجلس
نامزدقوم غالب استان	۲۰ هزار رای	۵۰۰ هزار رای	۵۲۰ هزار رای	*
نامزدقوم غالب شهرستان	۷۰ هزار رای	۲۰۰ هزار رای	۲۷۰هزار رای	
فرض این است که مردم حوزه انتخابیه فرعی ۱۰۰ هزار رای به صندوق انتخابات ریخته‌اند. مردم استان از قوم الف و مردم این شهرستان از قوم ب هستند				

شمارش آرای استانی خواهد شد. در این مرحله اما احتمال اینکه رای‌ها جابه‌جا شود وجود دارد، چراکه مردم استان که اکثریت از قوم الف هستند، بیشتر به کسی رای خواهند داد که هم قوم خود باشد و رای کمتری را به گزینه بومی شهرستان خواهند داد و لذا ممکن است حوزه انتخابیه‌ای که تا پیش از این نماینده بومی خود را دارا بوده، حالا تحت تاثیر استان شرایط را تغییریافته ببیند. جدول به خوبی توضیح‌دهنده این شرایط خواهد بود. این جدول برای استانی است که غالب مردم از قوم الف هستند و یک حوزه انتخابیه؛ قومیت یا مذهب متفاوت دارد.

غالبیت قومی و قبیله‌ای دارند، ولی یکی دو شهرستان از این وضعیت تبعیت نمی‌کنند و مردم آن از قوم و قبیله دیگری هستند. برای مثال در یکی از استان‌های کشور قریب به اتفاق مردم از قوم الف هستند، ولی یکی دو شهرستان که یک‌هک حوزه انتخابیه‌فرعی را تشکیل می‌دهند، از قوم دیگری هستند. در این شرایط اگر از این حوزه انتخابیه، یک نفر بومی نامزد شود و یک نفر از قوم الف، به احتمال قریب به یقین هردو می‌توانند حداقل ۱۰ درصد آرا را کسب کنند، در گام شمارش آرای شهرستان، فردی که بومی است، رای بیشتری از فرد دوم گرفته و با موفقیت راهی مرحله

ایرادسوم : احزاب تقویت نمی‌شوند، شهرت و ثروت موثر خواهد شد

آن روی خوش نشان دادند. نتیجه اما آن چیزی نبود که تصویر می‌شد و ضمن ریزش در بدنه اجتماعی این جریان، زمینه دلسردی افشار زیادی از جامعه را نسبت به اصل انتخابات فراهم آورد. مضاف بر آن تا زمانی که سازوکاری مشخص برای فعالیت احزاب وجود نداشته باشد، صحبت از رنگ و لعاب حزبی برای پارلمان ادعایی گراف به نظر می‌رسد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، علی‌رغم آنکه بسیاری از احزاب، در انتخابات ۹۴ پای یک لیست انتخاباتی را امضا کردند، اما هیچ یک از آنها مسئولیت نماینده متناسب به خود را در فراکسیون متبوع، به عهده نگرفته و همه می‌و کاست‌ها را به ضعف‌های شخصی مشخصی نمایندگان منتخب نسبت می‌دهند. بر این اساس طبیعی است تا زمانی که تحزب به‌صورت واقعی و نه صرفا کاریکاتوری و شب انتخاباتی در کشور شکل نگیرد، قوانینی نظیر اصلاح قانون انتخابات دردی را دوا نخواهد کرد و تأثیری در تزریق روحیه

«فرهیختگان» درخصوص مصوبه روز گذشته مجمع تشخیص مصلحت نظام گزارش می‌دهد

قوانین توانمند داخلی را برای مبارزه با پولشویی دریابید

پاسخ به این سوال منفی است، چرا که لایحه مبارزه با پولشویی

هرچند با کم و کاستی و ایراداتی، قبلا در جلسه‌علنی سه‌شنبه دوم بهمن ۱۳۸۶ مجلس هفتم به تصویب رسیده و توانسته است طی یازده هفته‌ای یعنی در ۱۷ بهمن، نظر مثبت شورای نگهبان را نیز کسب کند و تبدیل به قانون شود. قانون مبارزه با پولشویی در آخرین روزهای بهمن سال ۸۶ از سوی رئیس وقت مجلس یعنی غلامعلی حداد‌عادل برای اجرا به دولت و از آنجا به وزارت امور اقتصادی و دارایی ارسال می‌شود. این قانون شامل ۱۲ ماده و هفت تبصره بود و علاوه‌بر توصیف نسبتاً دقیق از جرم پولشویی به جرم‌انگاری آن نیز می‌پرداخت. در این قانون موارد زیر در توضیح پولشویی آمده‌بود: «تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به اینکه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد. تبدیل، مبادله یا انتقال

عوایدی به‌منظور پنهان کردن منشأ غیرقانونی آن با علم به اینکه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به‌نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود. اخفا یا پنهان یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.» این قانون اما با وجود اینکه مشکلاتی از کشور را مرتفع می‌کرد، در دولت یازدهم و زمانی که مراودات ایران با FATF جدی شد، مورد ایراد این نهاد بین دولتی قرار گرفت و درخواست اصلاح آن در جریان تدوین و ارائه ارائه Action Paln دیده شد. همان موقع دولت براساس همین درخواست وارد عمل شد و لایحه اصلاح قانون پولشویی را به مجلس فرستاد؛ لایحه‌ای که سرانجام آن همین چیزی است که روز گذشته در مجمع تشخیص مصلحت تصویب و تبدیل به قانون شد. این

دیدگاه

استانی شدن و تبعیض ناروا در انتخابات

طرح اصلاح قانون انتخابات که- از هفته گذشته در دستور کار صحن علنی قرار گرفته، در واقع همان طرح استانی و شهرستانی شدن انتخابات است که از مجلس پنجم تا امروز همواره مورد بحث بوده است. این طرح به‌صورت طرح یک‌فوریتی چندی پیش برای بررسی به کمیسیون امور داخلی کشور و شوراه محول شد و با اضافاتی در کمیسیون به تصویب رسیده است و حالا برای تعیین تکلیف به صحن علنی می‌رود و در معرض رای نمایندگان قرار می‌گیرد. مطابق این طرح یک حوزه اصلی داریم که استان است و یک حوزه فرعی که شهرستان است. کسی که می‌خواهد در انتخابات پیروز شود، باید هم رای شهرستان کسب کند و هم رای استان را بتواند جلب کند. مطابق طرح قبلی، نامزد پیروز باید سهمی ۲۰درصدی از کل آرای مأخوذه شهرستان خود داشته باشد و در طرح فعلی که از طرف کمیسیون به تصویب رسیده، این ۲۰درصد به ۱۰ درصد کاهش یافته است؛ به این معنا که اگر فردی در حوزه انتخابیه فرعی (شهرستان خود) ۱۰درصد رای بیاورد، ولی در کل استان بیشترین آرا را داشته باشد، مطابق این طرح پیروز انتخابات است.

در مقابل اگر فردی در یک شهرستان ۵۰درصد آرای مأخوذه را نیز کسب کرده باشد، ولی در استان بالاترین رای را نداشته باشد، بازنده است. البته این نظر و خروجی بررسی کمیسیون است که در صحن علنی بررسی خواهد شد و احتمال دارد مطابق نظرات نمایندگان در صحن، جزئیات آن تغییر کند یا حتی کل طرح مورد قبول واقع نشود.

لازم به ذکر است که من شخصا با این طرح مخالف هستم. موافقان این طرح معتقدند از این طریق نگاه مجلس و نمایندگان کلان‌تر خواهد شد و نمایندگانی در تراز ملی انتخاب می‌شوند. از این رو احزاب فعال تر شده و مشارکت مردم بالاتر می‌رود. حضور فعال نمایندگان در صحن و کمیسیون‌ها، کاهش درگیری‌ها و مشغله‌های قومی و قبیله‌ای، توزیع متوازن امکانات و انتخاب افراد توانمند و باسابقه به‌عنوان نماینده مردم، از دیگر استدلال‌های موافقان است، این در حالی است که مخالفان این طرح معتقدند این طرح بر افزایش شکاف و تنش‌های اجتماعی اثرگذار است. نماینده نزدیک‌ترین فردی است که می‌تواند رابط میان مردم و مسئولان کلان کشوری باشد و از طریق این طرح این ارتباط ابتر می‌ماند. یکی دیگر از نکات مهم، افزایش هزینه‌های انتخابات است، چراکه علاوه‌بر اتلاف وقت و انرژی بیشتر برای مجریان انتخابات، برمبنای این طرح یک کاندیدا هم باید در شهرستان خود تبلیغات کند هم در کل استان. بر این اساس به‌طور معمول افراد مستقل و خارج از احزاب و لیست‌های ائتلافی نمی‌توانند پیروز انتخابات شوند و تنها افرادی که ارتباط، لابی و گرایش‌های خاصی دارند و به منابع قدرت و ثروت وصل هستند، به پیروزی خواهند رسید، چون رقابت در کل استان سخت است و با شهرستان متفاوت است. به‌عنوان مثال، اگر در یک شهرستان مجریان انتخابات آرای ۱۰ نفر یا لیست را چک می‌کردند، با این وصف آرای ۴۰۰ یا ۵۰۰ نفر باید بررسی شود و به‌رغم ادعای موافقان که اذعان دارند از هزینه‌ها کاسته خواهد شد، هزینه‌ها افزوده می‌شود. به نظر ما یکی دیگر از معایب مهم، عدم توجه به مناطق محروم و دورافتاده است که با این طرح دچار مشکل خواهند شد و نمایندگانی پیروز رقابت هستند که بیشتر وامدار احزاب و گرایش‌های سیاسی هستند نه مردم!

یکی دیگر از معایب این است که مراکز استان‌ها در واقع سرنوشت کاندیداها را مشخص می‌کنند، چراکه شهرستان‌ها جمعیت کمتری دارند و مراکز استان ۱۵ تا ۲۰ برابر شهرستان جمعیت دارند و قطعا آنها نمایندگان را مشخص خواهند کرد و آن افرادی که مدنظر افراد بومی هستند، نمی‌توانند به پارلمان راه یابند. مراجعات مردم به نمایندگان فرصتی برای نظام جمهوری اسلامی است و قطعا قوانین می‌توانند برای رفع و تسهیل مشکلات مردم راهگشا باشند. ولی براساس این طرح نمایندگان، نماینده مردم نخواهند بود و نمایات حزبی و گرایش‌های سیاسی باعث می‌شود کمتر به خواسته‌های مردم توجه کنند.

متأسفانه عموما به جای اینکه زیربناها و زیرساخت‌ها را آماده کنیم، دنبال روتنا می‌رویم. موافقان ایسن طرح معتقدند این رویه به تقویت احزاب کمک خواهد کرد، غافل از اینکه ابتدا باید احزاب کارآمد، فعال و شناسنامه‌دار شکل بگیرد، بعد مسیر انتخابات به سمت خواسته احزاب و حضور فعال آنها برود. ما هنوز قانون خوبی برای احزاب نداریم و همچنان خانه احزاب فعال نیست. احزاب در زمان انتخابات حضور پیدا می‌کنند و به عبارتی بیشتر ائتلاف و سستاندهای انتخاباتی هستند تا حزب به معنای واقعی!

در واقع احزاب قوی مقدمه استانی شدن انتخابات هستند، ولی ما بدون در نظر گرفتن این مقدمه اساسی می‌خواهیم شالوده انتخابات کشور را به‌هم بریزیم. البته موافقان و مخالفان این طرح در کمیسیون هم آرایبی تقریبا نزدیک به هم داشتند و این‌گونه نبود که این طرح در کمیسیون نیز آرای بالایی داشته باشد. اگرچه رای‌وری آن در صحن علنی محمول است، ولی نکته مهم اینجااست که از مجلس پنجم طرح‌هایی که در این خصوص مطرح شده، همواره این مشکلات را داشته و براساس همین مشکلات با ایرادات شورای محترم نگهبان مواجه شده است، ایراداتی که همچنان بر طرح فعلی نیز صدق می‌کند و رفع نشده است. یکی از ایرادات اساسی بند ۸ اصل سوم و اصل ۷۵ و بند ۹ اصل سوم است که مشمول تبعیض ناروا در انتخاب نماینده است. یکی از مشکلات عمده این طرح، در حوزه مشکلات قومی و امنیتی است. بر این اساس برخی از استان‌های ما با مشکلات عدیده و جدی مواجه خواهند شد. به‌عنوان مثال، استان‌های خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی و غربی، کرمانشاه، گلستان، خوزستان و هرمزگان با این طرح دچار مشکل می‌شوند و شاهد درگیری در شهرستان‌ها خواهیم بود.

براساس این طرح خواه‌ناخواه مشارکت مردمی کاهش می‌یابد. به این دلیل که مردم شاهد هستند به‌عنوان مالک کسی که ۱۰ درصد در شهرستان رای داشته، در مقابل کاندیدایی با مثلا ۶۰ درصد رای، پیروز انتخابات شده، از این رو مردم دیگر در انتخابات بعدی رغبتی به مشارکت نخواهند داشت.

لایحه که چندین وچندبار میان دولت ومجلس وشورای نگهبان

دست‌به‌دست‌شده، باوجوداینکه برخی می‌گویند ممکن است نتواند نظر نهایی FATF را جلب کند، اما به مراتب ارتقایافته‌تر از قانون قبلی و هم‌تراز قوانین بین‌المللی و حتی دقیق‌تر از آنهاست و حتی در زمینه جرم‌انگاری پولشویی سنگین‌تر از آن چیزی که FATF از کشورها مطالبه کرده، مجازات‌هایی را پیش‌بینی کرده است. پیش از این درخصوص این موضوع، محمد دهقان، عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس به «فرهیختگان» گفته بود اصلاحات جدید مجلس شامل کم کردن قدرت مانور دولت در زمینه مبارزه با پولشویی و جدی شدن این امر در تخصیصی کردن مبارزه با جرم‌های اینجینی است. دهقان همچنین گفته‌بودونقص جدی قانون قبلی در اصلاحات جدید برطرف شده، به‌صورتی که هم منشأ پولشویی بازتعریف شده و هم مجازات پولشویی گسترش یافته است. علاوه‌بر دهقان، دیگر عضو کمیسیون حقوقی و قضایی یعنی محمدعلی پورمختار نیز در این مورد به «فرهیختگان» می‌گوید قانون جدید که هم جامع است و هم کامل، خلأهای گذشته در حوزه مبارزه با پولشویی را از بین می‌برد و به دولت کمک می‌کند به صورت جدی در این زمینه اقدام کند.

درنگ

همچنانکه ماه‌هاست رسانه‌ها در مورد چهار لایحه ارسالی دولت به مجلس برای تأمین نظر FATF می‌نویسند، درخواست دولت از نمایندگان اصلاح دو قانون قبلی و داخلی کشور یعنی اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و اصلاح قانونی پولشویی و همچنین تصویب دو قانون جدید برای پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی یعنی کنوانسیون پالمرو و CFT بوده است. مجلسی‌ها البته با رفت و برگشت فراوان به‌هر چهار لایحه دولت با اندکی تغییر پاسخ مثبت داده و آنها را به تصویب رساندندولی نهادهای تأییدکننده یعنی شورای نگهبان ونهانیات مجمع تشخیص مصلحت نظام تا کنون تنها به دو مورد یعنی درخواست دولت برای اصلاح قوانین داخلی چراغ سبز نشان داده‌اند. پس از گام اول که در خردادماه برداشته شد و اصلاح قانون داخلی مبارزه باتأمین مالی تروریسم که در شورای نگهبان به تصویب رسید، روز گذشته مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با دومین لایحه اصلاحی موافقت کرد و قانون پولشویی سرو سامان جدیدی گرفت. در این شرایط اما اگر قرار باشد با همین وضعیت به دو لایحه باقیمانده هم رسیدگی شود، شاید پیوستن به پالمرو و CFT یا هرگز اتفاق نیفتد یا اینکه دستخوش اطاله شده و زمان طولانی شود. در این زمینه سوای اینکه نسبت ما